

# الن وینستن

دکتر فرزانه فرخ‌فر

استادیار گروه گرافیک، دانشگاه نیشابور



الن وینستن

در شرق منهتن<sup>[۱]</sup> در طبقه بالای یک ساختمان ۲۱ طبقه تجاری، آپارتمانی دوخوابه با بالکنی که به رودخانه شرقی و پل ویلیامزبرگ<sup>[۲]</sup> مشرف است، وجود دارد. اینجا خانه‌ای است که وینستن<sup>[۳]</sup> با همسرش دیوید فلاهرتی<sup>[۴]</sup> هنرمند تصویرگر، زندگی می‌کند. تصویرسازی‌های خلاقانه وینستن برای نشریاتی همچون نیویورک تایمز<sup>[۵]</sup>، آتلانتیک<sup>[۶]</sup>، تایمز<sup>[۷]</sup> و واشنگتن پست<sup>[۸]</sup> در همین خانه خلق می‌شوند. وینستن از ترکیب و یکپارچه‌سازی عکس‌ها، کارت پستال‌ها و یادگاری‌های مختلف به‌عنوان منبعی الهام‌بخش در فضای کاری کوچکش استفاده می‌کند. زمانی که از دغدغه‌های مدیریت انجمن تصویرگران<sup>[۹]</sup> دور می‌شود، به تدریس کارگاه‌های تصویرسازی مدرسه طراحی رودآیلند<sup>[۱۰]</sup> می‌پردازد. گاهی نیز در برنامه‌ورک‌شاپ‌ها و فستیوال‌های کشورهای دیگر شرکت می‌کند و در این فضاها می‌تواند وینستن را در حال طراحی و نقاشی بر روی دفترچه یادداشت‌اش یا مشغول ترکیب تصاویر در نوت‌بوک‌اش پیدا کرد. بعضی اوقات هم می‌تواند وینستن را مشغول کار در خانه‌اش در هاوایی<sup>[۱۱]</sup> یافت.

وینستن و همسرش دیوید از سال ۱۹۹۹ زندگی خارج از شهر، در هاوایی را تجربه کرده‌اند. در نخستین تجربه، مهمان هنرمند تصویرگر آدم مک کولی<sup>[۱۲]</sup> بودند و سپس به مدت ۵ ماه آپارتمانی را در همان‌جا اجاره کردند و سال بعد زمینی را در شهر هایکو<sup>[۱۳]</sup> خریدند. الن وینستن، متولد و پرورش یافته ناحیه شرقی منهتن است، لیکن از اینکه می‌تواند مکرراً بین آسمان‌خراش‌های بتونی شهر و جزیره بهشت‌گونه‌شان تردد کند، ابراز خوشنودی می‌کند. «من به فرهنگ هاوایی متصلم. هنگامی که اینجا هستم، در تیم قایق سواری شرکت می‌کنم و سرودهای محلی جزایر پلییزی<sup>[۱۴]</sup> را یاد می‌گیرم. مردم بومی اینجا، مثل خود من می‌توانند از راه دور ارتباط برقرار کنند. من عادت دارم به دیگران بگویم که از شهر دور بوده‌ام، اما متوجه شده‌ام که بقیه علاقه‌ای به شنیدن اینکه من در هاوایی چه می‌کنم، ندارند.»

کارهای الن، سبک سرزنده‌ای دارند. همانطور که ریشه رنگ مایه‌های قهوه‌ای آثارش، از خورشید تأمین می‌شود، او رنگ و سوزنه‌های طبیعی بسیاری را به کار می‌گیرد. «کارهای من سه بعدی‌اند. ابتدا این ساختارها را می‌سازم و سپس زمان زیادی برای سایه‌پردازی و عکس‌برداری از آن‌ها صرف می‌کنم. در برخی موارد مجدداً به بازسازی تصویر می‌پردازم. من عمقی را که تصاویر به وجود می‌آورند دوست دارم. به‌نظر من اگر روند انجام کاری، کند و

1-Manhattan

2-Williamsburg Bridge

3-Ellen Weinstein

4-David Flaherty

5-The New York Times

6-The Atlantic

7-Times

8-Washington Post

9-ICON8, an International Conference for Illustration, Portland, 2014.

10-Rhode Island School of design

11-Hawaii

12-Adam McCauley

13-Haiku

14-Polynesian





تصویر شماره ۲: late bird  
پرنده دیرپا، اثر سفارشی هنرمند برای نشریه نیویورک تایمز



تصویر شماره ۳: A Dance for Japan  
رقصی برای ژاپن، اثر شخصی هنرمند. در مورد این اثر، وینستن شرح می‌دهد: «هنگامی که هنرمند ژاپنی آیکاکا<sup>[۱۵]</sup> از من برای شرکت در نمایشگاهی گروهی که با هدف کمک به زلزله‌زدگان ژاپنی برپا شده بود، دعوت کرد، این ایده نشاط‌بخش به ذهنم راه یافت.»

اثری که برای خلق پرتراهی با موهای سرخ، روی پوشه‌ای زرد رنگ و با ترسیم لایه‌هایی بافت‌دار شکل گرفته است (تصویر شماره ۱). طراحی و وضعیت چهره، سبک عکاسی زنان در دهه ۱۹۲۰ را تداعی می‌کند. ال بیان می‌دارد که: «اغلب مردم با پوشش و ژست خاص زمان خودشان، عکس می‌گیرند؛ همین نکته، سبب درک موقعیت پرتراهی هر عکس می‌شود.»

در آثار وینستن، تصاویر غیرانسانی (تصاویر غیر از تصویر انسان)، فراوانند. یکی از کارهای وی، تصویری است که برای یکی از مقاله‌های سلامتی نشریه نیویورک تایمز، با موضوع «پیرچشمی تا چه حد بر فعالیت‌های شبانه‌روزی افراد تأثیر می‌گذارد»، کار شده است. در این اثر، خروسی با سری حجیم

15- Aya Kakeda



تصویر شماره ۱: The Cannonball Lady

اثر شخصی هنرمند. این تصویر برای نمایشگاه گروهی سال ۲۰۱۰ میلادی که به مدت شش روز در ونیز از سوی سازمان فرهنگی ایتالیا برپا شد، خلق گردید.

دست و پا گیر باشد، بهتر است رها شود.»

وینستن برای انجام ترکیب‌بندی‌هایش، مجموعه متنوعی از عکس‌های خانوادگی تهیه کرده است. همسر وی خانواده بزرگی دارد و برخی از آن‌ها، عکس‌هایشان را در اختیارش گذاشته‌اند. دوستان قدیمی وی نیز در این امر مشارکت داشته‌اند. این مجموعه در کنار تصاویر دیجیتالی که با دوربین نیکون و یا با دستگاه تلفن همراهش گرفته شده‌اند، آرشو بسیار غنی و باارزشی در اختیار می‌گذارد که از آن‌ها در ترکیب با نقاشی و ترسیمات شخصی‌اش بهره می‌گیرد. لپ‌تاپ، آخرین ابزاری است که برای چیدمان اجزا و ویرایش نهایی، استفاده می‌کند. وینستن شیوه کاری‌اش را چنین توصیف می‌کند: «من فقط به شیوه دستی می‌توانم ایده پردازی کنم. برای همین، هر وقت ذهنم را روی سوژه‌ای درگیر می‌کنم، سریعاً با مدادهای زبر طراحی، بر روی کاغذ خطوطی را می‌کشم. اغلب با چیدمان رنگ‌های تخت با برخی بافت‌ها یا عکس‌هایی که بافت شدیدی دارند، پرسپکتیو و نسبت‌ها را به بازی می‌گیرم. من حس و حالی را که از مواد مختلف تداعی می‌شود و بازی کردن با تصاویر حقیقی و غیرحقیقی را دوست دارم. از آنجایی که شخصاً آدم افسرده و دلگیری نیستم، محو بازی کردن با اجزای کار می‌شوم تا جایی که به خلق فضایی استعاری دست یابم.»

چهره وینستن بیانگر حالت خاصی است؛ گویی از دوران دیگری آمده یا در برخی حالات، غیرواقعی است. این وضعیت، در یکی از آثار وی با عنوان «The Cannonball Lady»، کولاژ سورآیسمی که برای نمایشگاه سال ۲۰۱۰ انجمن فرهنگی تئاتر ایتالیا خلق شد، حس می‌شود.

دنباله‌روی شیوه کاری میلتن گلیزر بود. «میلتن گلیزر قهرمان دوران کودکی ام بود. می‌خواستم قبل از اینکه فارغ‌التحصیل شوم، تجربیات کاری به دست آورم. برای همین بسیار مصمم و بدون هیچ تأملی به آتلیه میلتن گلیزر رفتم. در آخرین سال تحصیل، چهار روز در هفته را در آتلیه گلیزر کار می‌کردم. او انسانی بی‌نهایت روشنفکر و متواضع بود و با هنرآموزان، کارمندان و مشتریان بسیار با احترام برخورد می‌کرد. گلیزر ابداً کج خلق نبود. از نظر من او نه تنها هنرمندی فوق‌العاده و تمام‌عیار بود، بلکه مظهر یک انسان کامل هم بود.»



تصویر شماره ۴: Retirement for Two

بازنشستگی برای دونفر، اثر سفارشی وینستن در مورد این اثر، شرح می‌دهد: «اغلب زوج‌ها در این مورد که چه زمانی بازنشستگی‌شان فرامی‌رود، توافق نظر ندارند. من مقاله‌های بسیاری را با موضوعات اداری و مالی تصویرسازی کردم و در همه آن‌ها تلاشم بر این بود که این خشکی، بانوعی طنز آمیخته باشد.»

گلیزر پس از فارغ‌التحصیلی وینستن، او را به هنری وولف<sup>[۱۹]</sup> هنرمندی که به خاطر تبلیغات سازنده و مدیریت هنری خوبش در نشریات اسکوایر<sup>[۲۰]</sup> و هارپر بازاری<sup>[۲۱]</sup> شهرت یافته بود، معرفی کرد. «من به همراه وولف روی کتاب تفکر بصری<sup>[۲۲]</sup> او کار کردم و شاهد بودم که او چگونه تصاویر را کنار هم می‌گذارد. صحبت‌های ما در مورد شیوه کاری وولف، تجربه بسیار بزرگی برایم بود. هم گلیزر و هم وولف، طراحان ارتباط تصویری فوق‌العاده‌ای بودند.»

علی‌رغم توصیفات وی از مربیانش، صبر و شکیبایی وینستن در تمرینات طراحی گرافیک اندک بود. «دفتر کار این هنرمندان، پر بود از ملاقات‌های مکرر و همه‌مهمه برای نشریاتی که

به‌کار رفته که در زیر تابش نور خورشید نیمروزی، لباس خوابی بر تن، عینک کلفتی بر چشم و فنجان قهوه‌ای در دست دارد (تصویر شماره ۲). وینستن بیان می‌کند که: «من در بسیاری از کارهایم از تصویر حیوانات برای تفهیم موضوعات انسانی استفاده کرده‌ام. این شیوه‌ای است که برای دورشدن از بیان تحت‌اللفظی موضوع، می‌توان از آن طریق، داستانی را شرح داد.»

خیال‌پردازی‌های وینستن، اغلب اجازه اجرای آزادانه آثار را به وی می‌دهند. والدین وی، حامیان اصلی او بودند. «دغدغه آن‌ها فقط یک چیز بود؛ اینکه درآمدشان را صرف پشتیبانی از آرمان‌های خانواده نکنند. برای همین مرا برای انجام کارهایی که دوست داشتم، تشویق می‌کردند.» وینستن به یاد می‌آورد که: «پس از اخذ پذیرش در دو دبیرستان علوم و دبیرستان هنر و طراحی، دومی را انتخاب کردم. آن موقع، رفتن به یک دبیرستان هنری، تجربه بسیار بزرگ و قابل قبولی برایم بود.»

پرورش‌یافتن در شهری که برخی از بزرگترین موزه‌های هنری جهان در آن جای دارد، حیرت‌انگیز است، اما چیزی که وینستن را مبهوت خود ساخته بود، خیابان‌هایی بودند که پوسته‌های تبلیغاتی هنرمندان بزرگی همچون میلتن گلیزر<sup>[۱۶]</sup> و ایوان چرمايوف<sup>[۱۷]</sup> را به نمایش می‌گذارند. «حدود ۱۰ یا ۱۱ ساله بودم که فهمیدم به هنر پوسترسازی علاقه دارم و می‌خواهم در این حرفه که توسط هر کسی و هر جایی لمس می‌شود، کار کنم. نیویورک در دهه ۱۹۷۰ شهری تاریک و دلگیر بود. پوسترهایی که توسط طراحان گرافیک انجام می‌شدند، واقعاً این فضای دلگیر را تغییر می‌داد.»

پس از اتمام دوران متوسطه، وینستن با گرفتن بورسیه تحصیلی از پرات<sup>[۱۸]</sup> به آنجا راه یافت و درجه کارشناسی‌ارشد خود را گرفت. در طی این دوران، وی

16-Milton Glaser

17-Ivan Chermayeff

18- Pratt

19- Henry Wolf

20- Esquire

21- Harper's Bazaar

22- Visual Thinking





مرتباً اجرا و منتشر می‌شدند. هدف من فقط کارکردن بود. فقط می‌خواستم کار کنم و تصویر خلق کنم. برای همین تصمیم گرفتم از آن‌ها جدا شوم».

استیون هلر،<sup>[۲۳]</sup> مدیر هنری نشریات مروری نیویورک تایمز و تولیدکننده کارهای بسیار دیگر، اولین کار موفقیت‌آمیز وینستن را پیشنهاد داد. هلر در اولین برخورد، آثار وینستن را پسندید و از او خواست مجدداً به دیدارش بیاید. «پیش از آنکه هلر اولین کارم را سفارش بدهد، من دو سه بار در طول سال به ملاقاتش رفتم». اگرچه جزییات انجام اولین کار وینستن مبهم است، اما در اینجا درس پشتکار وی که مرتباً آن را به هنرآموزانش گوشزد می‌کند، قابل درک است. «هنوز هیجانی را که در انتظار دیدن اولین اثر چاپ شده‌ام، در روبروی دکه روزنامه‌فروشی محله‌مان داشتم، به‌خاطر دارم. در شب‌ه شب، به انتظار کامیون حامل روزنامه‌های صبح یکشنبه بودم و بالاخره توانستم اثر چاپ شده‌ام را ببینم. من هنوز هم وقتی موفقیتی را به دست می‌آورم، آن سطح از هیجان را حس می‌کنم».

از سال ۱۹۹۹ سبک هنری وینستن همچون یک تصویرگر حرفه‌ای، تکامل یافت. در ابتدای کار، او مونوتایپ<sup>[۲۴]</sup>هایی را خلق کرد. «آن کارها خیلی دلگیر و جدی بودند. اما آن‌ها به من جسارت و احساس راحتی بیشتری در بیان شخصیت کاری‌ام می‌دادند. احساس می‌کردم که اگر جدی باشم، کار من هم جدی می‌شود. در طول زمان سعی کردم سبک کارهایم را شادتر کنم و از سرزندگی و شوخ طبعی بیشتری بهره بگیرم».

وینستن بر اینکه چقدر یک تصویر می‌تواند قدرت داشته باشد، اعتقاد دارد و این باور را به تعلیماتش از گلایزر و وولف نسبت می‌دهد. او از شرایط ضرب‌العجل و محدودیت‌ها و فشارهای کاری با مشتریان، لذت می‌برد. «من از کارهای گروهی هم لذت می‌برم. می‌خواهم شاد باشم، می‌خواهم مدیر هنری شادی باشم و این شادی را با مخاطبانم تقسیم کنم. من واقعاً از عوامل درگیر با یک اثر، چه پیش از خلق اثر و چه پس از آن، لذت می‌برم».

وینستن در جواب علت به‌کارگیری استعاره‌های بصری‌ای همچون دستگاه‌های ماشین تحریر قدیمی، دوات‌ها و وان حمام و... که در آثارش به‌وفور به‌کار رفته‌اند، چنین پاسخ می‌دهد که «این سوال یکی از مواردی است که همیشه با هنرآموزانم در موردش صحبت می‌کنم. اینکه نهاد چیست و عمر مفید آن چقدر است؟ با توجه به این نکته که زبان‌ها، به‌طور مداوم در حال تغییر هستند، نهادهایی وجود دارند که زمان کاربرد بی‌انتهایی دارند و البته نهادهایی هم هستند که اینگونه نیستند. قابلیت بازی با این عناصر، همان ویژگی است که مرا عاشق تصویرسازی می‌کند و بی‌تردید راهکار بزرگی برای ارتباط برقرارکردن با عموم است. به تصویرسازی‌های نشریات قدیمی نگاه کنید. شما واقعاً حس می‌کنید که مردم آن روزگار در مورد چه چیزی صحبت می‌کرده‌اند. فقط به این آثار، ماهیت روزمرگی آن زمان را به همراه دارند. شما هم می‌توانید اثری را که به یک واقعیت عینی اشاره می‌کند، خلق کنید. به‌طور مثال موضوع گفتمان هفته‌آینده کامیون‌های حامل مواد بازیافتی است و پس از آن سوژه‌های دیگر. می‌توانید روی این موضوع‌ها ذهن‌تان را متمرکز کنید».

وینستن در مورد شیوه آموزشش در مدرسه طراحی رودآیلند<sup>[۲۵]</sup> شرح می‌دهد که «شیوه کلاس‌داری من، شبیه آمیش<sup>[۲۶]</sup>هاست. هنرآموزانم اجازه ندارند لپ‌تاپ‌های خود را به کلاس بیاورند یا کارهای دیجیتالی انجام دهند. البته خود من هر روز از

لپ‌تاپم استفاده می‌کنم. این وسیله واقعاً فوق‌العاده است، اما استفاده از آن برای یادگیری اصلاً مناسب نیست. در کلاس درس، شما به افرادی دسترسی دارید که حقیقتاً چیزهای جدیدی را در ترسیم یا نقاشی، می‌توانند به شما بیاموزانند؛ برای همین چرا باید این فرصت را از دست بدهیم؟».

تصویرسازی‌های وینستن به زبان خودش اینگونه شکل می‌گیرند: «ابتدا متن مورد نظر را تا حد جمله‌ای مناسب، خلاصه می‌کنم و سپس شروع می‌کنم به طراحی روی کاغذ تا جایی که ایده‌های مرا برانگیزاند. من عاشق طراحی روی کاغذم. ایده‌پردازی‌های من با بیرون رفتن و قدم‌زدن شکل نمی‌گیرند، بلکه طراحی راه حل آن است. بسیاری از موضوعات روزمره‌ای که هر روز شاهدشان هستم، برایم الهام‌بخش هستند. به‌نظر من اغلب چیزهای پیش پا افتاده‌ای که دست کم گرفته می‌شوند، منبع بزرگی از الهام‌اند. رویدادهای روزانه و حتی چیزهای جدید، مواردی هستند که من واقعاً از بازی با آن‌ها لذت می‌برم».

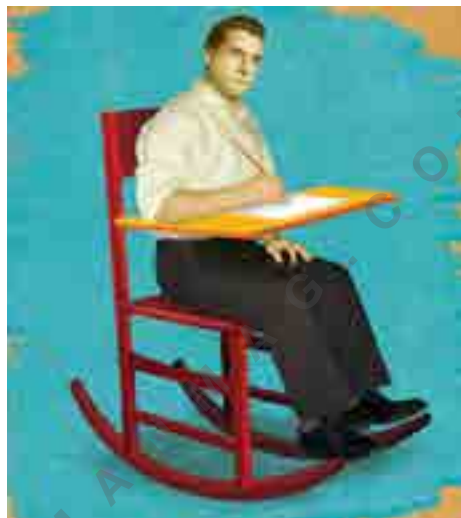
علی‌رغم بسیاری از عناصر غم‌انگیز و دلگیرکننده آثارش، وینستن آدم عاطفی نیست و همیشه ترجیح می‌دهد گستاخ و جسور به‌نظر برسد. وقتی از او در مورد برنامه کاری آینده‌اش سوال شد، از جواب طفره رفت. «به هر چیزی که فکر می‌کنم، مسیر زندگی به همان سوی پیش می‌رود. این شرایط، راه را برای فرصت‌های جدید هموار می‌کند. دو سال قبل اصلاً پیش‌بینی نمی‌کردم مدیر انجمن تصویرگران بشوم یا اینکه کارگاه تصویرسازی تدریس کنم. همان مقدار که در زندگی‌ام روزمرگی داشته‌ام، اوقات سختی را هم تجربه کرده‌ام؛ این جریانی هیجان‌انگیز است، به همین دلیل اتفاق‌هایی که جریان روزمرگی را مختل می‌کنند، دوست دارم».

23- Steven Heller

24- Monotype

25- RISD, Rhode Island School of Design

۲۶- Amish، فرقه‌ای در آمریکا که سر ناسازگاری با تکنولوژی دارند.



تصویر شماره ۵: Interest Ed

اد علاقمند، اثر سفارشی هنرمند برای نشریه Plan Sponsor Europe. به کار بردن نام فرد برای موضوع های خشک و جدی مقاله های تخصصی، راه حل مناسبی برای جذب مخاطب است. وینستن این فرآیند را با به کارگیری عنوانی مناسب، سرعت بخشیده. در اینجا تحصیل، بازنشستگی و آموزش مدنظر است.

تصویر شماره ۶: The Power of Communities

قدرت اجتماع، اثر سفارشی هنرمند. وینستن در مورد این اثر، شرح می دهد: «این تصویر برای مقاله ای کار شد که فرضیه خودخواهی، انسان را به سمت زندگی حیوانی سوق می دهد، به جالش می کشید. در اینجا این شانس را داشتیم که برای تفهیم موضوع، روایتی را با استفاده از نقش حیوانات بیان کنیم. برای همین از نقش پنگوئن استفاده کردم که برای همگان دوست داشتنی است.»



تصویر شماره ۷: Arab Spring

بهار عربی، اثر سفارشی هنرمند. وینستن در مورد این اثر، شرح می دهد: «این تصویر را برای مقاله ای با عنوان بهار عربی کشیدم. در اینجا تأکید من بر زمان اوج انقلاب های کشورهای عربی در آغاز سال ۲۰۱۱ است که در آن انرژی شدیدی که نیروهای دولتی و پلیس را به عقب می راند، به تصویر کشیده شده است.»



تصویر شماره ۸: The Gay Selma

سلمای سرخوش، اثر سفارشی هنرمند. اگر چه موضوع بی تفاوتی مناطق آموزش و پرورش با زورگویی ها، از ترس به خطر افتادن، موضوعی است که مکرراً بیان شده، اما در اینجا نیز با تأکید بر مسئولیت مدارس در حفاظت از دانش آموزان، ذکر شده است.





تصویر شماره ۹: How Many Species

گونه‌های بسیار، اثر سفارشی هنرمند. خلق تصویری شخصیت‌پردازه، فرصت دیگری برای وینستن بود تا برای یکی از مقاله‌های نشریه نیویورک تایمز با این موضوع که چقدر گونه‌های جانوری مختلفی هر ساله در جهان کشف می‌شوند، انجام شود.



تصویر شماره ۱۰: Duboëuf Rose

اثر سفارشی هنرمند. وینستن در مورد این اثر شرح می‌دهد: «این کار در اصل برای مقاله‌های ممنوعیت سیگار در هتل‌های اروپایی نشریه نیویورک تایمز طراحی شد. تصویری از یک مرد سیگار به دست که از پنجره خم شده بود. Cramer-Krasselt این اثر را دید و آن را برای آگهی سرلوحة نشریه مہارزه انتخاباتی، سفارش داد.»



تصویر شماره ۱۱: Attention not as Metaphor

توجه نه به‌عنوان استعاره، اثر سفارشی هنرمند برای نشریه نیویورک تایمز. تصویری که اختلالات درون ذهن کودکی را که از آن‌ها رنج می‌برد، به نمایش می‌گذارد.